



پایه :		۱	موضوع :	منطق ۱
تاریخ :		۸۸/۳/۳۰	ساعت :	۱۰/۳۰

نام کتاب: آموزش منطق، تألیف استاد مطهری

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. میان «انسان» با «ناطق، متحرک و درخت» به ترتیب، چه نسبتی از نسب اربعه برقرار است؟ ج
 - ا. تباین - عموم و خصوص من وجه - تساوی ☐
 - ب. عموم و خصوص من وجه - تساوی - تساوی ☐
 - ج. تساوی - عموم و خصوص مطلق - تباین ☒
 - د. تساوی - تساوی - عموم و خصوص مطلق ☐
۲. «حقیقیه، مانعة الجمع و مانعة الخلو» از تقسیمات قضیه است. د
 - ا. شرطیه ☐
 - ب. حملیه ☐
 - ج. شرطیه متصله ☐
 - د. شرطیه منفصله ☒
۳. عکس مستوی سالبه کلیه و موجبه کلیه به ترتیب است. ب
 - ا. سالبه کلیه و موجبه کلیه ☐
 - ب. سالبه کلیه و موجبه جزئیه ☒
 - ج. سالبه جزئیه و موجبه کلیه ☐
 - د. هیچکدام ☐
۴. قیاسی که هدف آن اشتباهکاری است می‌باشد. الف
 - ا. مغالطه ☒
 - ب. جدل ☐
 - ج. خطابه ☐
 - د. شعر ☐

تشریحی:

۱. موضوع یک علم را تعریف کنید و بنویسید موضوع علم منطق چیست؟
موضوع یک علم عبارت است از آن چیزی که آن علم در اطراف آن بحث می‌کند.
موضوع علم منطق معرف و حجت است.

۲. عرض عام و عرض خاص را همراه مثال تعریف کنید.

عرض عام: کلی‌ای است که خارج از ذات افراد است ولی اعم از ذات افراد است.
مانند: راه رونده (ماشینی) نسبت به انسان.

عرض خاص: کلی‌ای است که خارج از ذات افراد است ولی مساوی با ذات است مثل تعجب کننده نسبت به انسان.

۳. تعریف انسان به «جوهر جسمانی نمو کننده حیوان»، از کدام نوع تعریف است؟ چرا؟
حد ناقص؛ چون به بعضی از اجزاء ماهیت انسان اشاره شده است.

۴. قضیه طبیعی و مهمله را تعریف کرده و مثال بزنید.

قضایایی که موضوع آنها طبیعت کلی است و طبیعت کلی از آن جهت که یک طبیعت کلی است و در ذهن است موضوع قرار داده شده است، قضایای طبیعی نامیده می‌شود، مانند: انسان کلی است. قضایایی که در آنها کمیت افراد بیان نشده باشد قضایای مهمله نامیده می‌شود، مانند: انسان عجول است.

۵. موارد خواسته شده را بنویسید.

- أ. نقیض قضیه «هر انسانی تعجب کننده است»:
ج. بعضی انسانها تعجب کننده نیستند.
ب. متضادّ قضیه «هر انسانی حیوان است»:
ج. هیچ انسانی حیوان نیست.

۶. مثالهای زیر مربوط به کدام یک از اشکال اربعه است، وجه عقیم بودن را در هر کدام بیان کنید.

- أ. انسان فلز نیست، هر فلزی در حرارت منبسط می شود:
ج. شکل اول، صغرای قیاس سالبه است در حالیکه باید موجه باشد.
ب. هر انسانی حیوان است و هر اسبی حیوان است:
ج. شکل دوم، چون هر دو مقدمه موجه است در حالیکه باید مختلف باشند.

۷. مراد از تجرید و تعمیم (از اعمال ذهن انسان) را توضیح دهید.

تجرید یعنی تفکیک انسان میان صورتهای ذهنی جزئی چند چیزی که در خارج همیشه با هم اند و ذهن آنها را با یکدیگر دریافت کرده است.
تعمیم یعنی اینکه ذهن صورتهای دریافت شده جزئی را در داخل خود به صورت مفاهیم کلی درمی آورد.

۸. محصورات اربعه را با ذکر مثال نام ببرید.

موجه کلیه: هر انسانی حیوان است. سالبه کلیه: هیچ انسانی درخت نیست. موجه جزئی: بعضی انسانها حیوانند. سالبه جزئی: بعضی انسانها عالم نیستند.

۹. چرا منطق خ ارسطویی را منطق صورت می نامند؟

چون خطاسنجی در منطق ارسطویی مربوط به شکل و صورت استدلال می باشد.